

کودکان و انواع بازی‌ها

و... ظاهر شوند. آنان در رؤیاهای خود و نقشی که بازی می‌کنند، زندگی می‌کنند و گرایش خود را به دنیایی که در آن به‌سر می‌برند، نشان می‌دهند. بازی چه در خانه، مهد، کودکستان و چه در بیرون از آن‌ها، در آموزش اصول اخلاقی، پرورش روحیه‌ی خوب ورزشکاری، پی‌بردن به ارزش همکاری با دیگران و کار کردن، آموزش و اجرای قانون و مقررات و اهمیت آن‌ها، غلبه بر مشکل‌ها و سرانجام داشتن روح مقاومت و ایستادگی، نقش بزرگی را به‌عهده دارد.

تماشای کودکان در هنگام بازی، نه تنها لذت‌بخش است بلکه به ما کمک می‌کند تا پی به ساختمان شخصیت‌شان ببریم. آیا کودکان در جریان بازی به توافق لازم دست پیدامی‌کنند؟ آیا بازی بدون درگیری و نزاع پایان می‌پذیرد؟ آیا کودک زود خسته می‌شود و از این شاخه به آن شاخه می‌پرد؟ هر حرکت، رفتار و سروصدایی حاوی اطلاعات گران‌بهایی در مورد کودک است.

تهیه‌ی وسیله‌های بازی و خرید اسباب‌بازی هم باید با توجه به سن و جنس فرزند و ذوق و توانایی فردی او انجام پذیرد؛ کالسکه‌ی بچه و مبل و صندلی عروسک، هدیه‌ی خوبی برای دختران زیر هفت‌سال است. آنان از سستن، غذا دادن، خواباندن و لباس پوشاندن به آن‌ها خسته نمی‌شوند. آقای «راسکایا» معتقد است: «وقت‌گذرانی‌های کودکان را باید هدایت کرد و با بازی‌های خلاق، جای آن را پر کرد. کار را هم می‌توان به بازی تبدیل کرد. برای نمونه: کودکان دو، سه و چهارساله دوست دارند خودشان لباس بپوشند؛ این خواسته‌ای مثبت و نشان‌دهنده‌ی آغاز استقلال است. باید به آنان کمک کرد تا به این خواسته‌ی خود برسند. باید آنان را تشویق کرد و از هرگونه بی‌حوصلگی و زودباش، خودداری کرد. اگر کودک در سن پنج یا شش‌سالگی، لباس‌پوشیدن را نیاموخته باشد، اتفاق بدی افتاده است. در این صورت، احتمال دارد او فرد وابسته‌ای بارید و بپندارد که دیگران وظیفه دارند همه‌ی کارها را برایش انجام دهند.»

دکتر «جینوت» می‌گوید: «بهترین کمک، کمک‌نکردن است. وقتی شما هنوز لقمه در دهان فرزند هفت‌ساله‌ی خود می‌گذارید، موهایش را شانه می‌کنید، بند کفش او را می‌بندید، حمام‌اش می‌کنید، کیف یا غذای فراموش‌شده‌ی فرزندتان را به مدرسه می‌برید و برای او لباس انتخاب می‌کنید و به‌جای او حرف می‌زنید، این‌ها همه استقلال را از او می‌گیرند و شما نخواسته‌اید که او مسؤولیت خود را حس کند.»

خانم دکتر «مری شرایدن» نویسنده‌ی کتاب مفید «نقش بازی در رشد کودک» بازی‌های کودکان را به ۸ دسته تقسیم‌بندی می‌کند:

۱) بازی فعال

بازی فعال برای رشد به‌ویژه رشد جسمانی مهم است؛ زیرا در این نوع بازی از سر، تنه و دست در هنگام نشستن، سینه‌خیز رفتن، ایستادن، دویدن، بالا رفتن، پریدن، پرتاب کردن، لگزدن و گرفتن استفاده می‌شود. در این بازی ممکن است کودک درگیر بازی خشونت‌آمیزی شود که این وسیله‌ای برای کسب قدرت و توانایی، چابکی و ایجاد هماهنگی بین اعضای بدن است.

بازی در زندگی کودک پیش از دبستان، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. کودکان در فرآیند بازی، دانش کسب می‌کنند و کار کردن را می‌آموزند؛ هم‌چنین بازی‌ها یکی از راه‌های مهم آموزش هستند. «ن.ک. کراپسکایا»

«غذا» و «خواب»، دو نیاز فیزیولوژیک و اساسی کودک و هر انسان دیگری است. «بازی»، طبیعی‌ترین و اساسی‌ترین شکل فعالیت کودکان پیش از دبستان است و باید وقت عمده‌ی بیداری آنان را پر کند. بازی را باید جدی‌تر گرفت و درباره‌ی آن به پژوهش‌های علمی بیشتر و ژرف‌تری پرداخت.

کودکان در بازی، انرژی می‌سوزانند؛ کنار آمدن با هم‌سن‌وسال‌های خود را می‌آموزند؛ به کارهای گروهی عادت پیدا می‌کنند؛ تجربه و دانش کسب می‌نمایند و شادی و نشاط را احساس می‌کنند.

بازی، نیاز طبیعی و سرچشمه‌ی شادی است. گیاه بدون نور خورشید و کودک بدون بازی، از رشد بازمی‌مانند و پژمرده می‌گردند.

بازی، کودک را سرزنده، چابک، پرتاقت و فرزند بازمی‌آورد. کودکان از بازی‌هایی پرتحرک مانند: گرگم‌به‌هوا، لی‌لی کردن، پریدن و دویدن، بیشتر لذت می‌برند. خطای بزرگی است اگر در مهدکودک‌ها و کودکستان‌ها تنها به فکر نقاشی و یا بازی‌های کامپیوتری باشیم. هر کودکستانی باید فضای لازم برای تحرک کودکان را داشته باشد.

افزون بر بازی‌های پرجنبش، کودکان بازی‌های نمایشی را نیز دوست دارند. آنان دوست دارند در نقش خلبان، راننده، سوارکار، دریانورد، معلم، دکتر



۲) بازی اکتشافی و مهارتی

بازی اکتشافی و مهارتی به طور معمول از سه ماهگی آغاز می شود؛ یعنی زمانی که نوزادان شروع به بازی با انگشتان خود می کنند. این نوع بازی برای رشد حسی حرکت های ظریف و هماهنگ بین دست و چشم، مهم است. کودک در جست و جوی محیط اطراف خود است؛ از طریق حواس بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی به خاصیت های اشیا پی می برد. این بازی به فهم کودک در پایداری اشیا و درک به کار بردن زمان و فضا کمک می کند.

۳) بازی تقلیدی

نوزادان و کودکان، افعال و حرکت هایی را که به طور مکرر از دیگر افراد می بینند، تقلید می کنند و این یکی از صورت های مهم رشد اجتماعی، شناختی و نمادی است. بازی تقلیدی نشان می دهد که کودک، عملی را مشاهده کرده و قادر است تشخیص دهد که آن عمل، قابل تکرار است؛ بنابراین در برخی موارد، این عمل با اهمیت و معنادار است؛ برای نمونه بعد از مشاهده ی یک کتابخانه، کودک ممکن است تصور کند که یک کتابدار است و در بازی، خودش کتاب ها را به امانت دهد.

۴) بازی سازنده

یک نوع بازی است که موجب خلق چیزهایی از جمله ساختن یک برج با استفاده از بلوک های مکعب شکل می گردد. چنین فعالیتی مستلزم ترکیبی از حرکت های ظریف، توانایی حسی و درک و فهم شناختی و نمادی است. کودک برای ساختن چیزها نه تنها نیاز به توانایی دست کاری عنصرها و اجزا دارد، بلکه باید قادر به طراحی و تصور نمودن آن شیء در ذهن خود باشد.

۵) بازی نقش بازی کردن

کودکان از طریق مشاهده و تقلید، موقعیت هایی را برای خودشان به تصویر می کشند. در بازی «نقش» می توان از کمترین امکانات، بهترین شرایط استفاده را فراهم آورد. برای نمونه یک کلاه، بی درنگ می تواند یک نقش جدیدی را برای کودک فراهم کند.

۶) بازی قاعده دار

در این بازی، فرض بر وجود درجه هایی از درک و فهم درباره ی مشارکت، نوبت گرفتن، بازی منصفانه و یادداشت های دقیق بچه هاست. بازی های قاعده دار به طور معمول در حدود سن چهار سالگی شروع می شود؛ یعنی وقتی که گروه های کوچکی از کودکان، اقدام به مشخص ساختن قانون ها برای بازی هایی که نیاز به همکاری اعضا دارند، می کنند. بازی های گروهی که رقابت و سابقه را در کودکان بزرگ تر و بزرگسالان ایجاد می کند، تا حد زیادی آنان را به سمت پیروی از قانون و مقررات سوق می دهد.

۷) بازی و تعامل اجتماعی

بازی فردی: کودک به تنهایی بازی می کند.

تماشای بازی: در این بازی، کودک به تماشای بازی دیگران می پردازد اما به آنان نمی پیوندد.

بازی موازی: کودک در کنار دیگر بچه ها به بازی می پردازد اما ارتباط و تعامل او با آنان، موقتی و زودگذر است.

بازی گروهی: کودکان ممکن است در فعالیت های گروهی و با ارتباط نزدیکی، با یکدیگر مشغول بازی شوند؛ اما عقیده ها و نظریات اختصاصی خودشان را در مورد بازی حفظ کنند.

۸) بازی همکارانه

کودکان در طی این بازی به همکاری می پردازند و نظرها و وسیله های خود را در طول بازی در اختیار دیگران قرار می دهند. آنچه در این نوع از بازی، اهمیت زیادی دارد و نباید به آن، بی توجه بود، سرپرستی و هدایت بزرگسالان شکیبا و آگاه در تمام جریان بازی است.

دکتر «راسکایا» می گوید: «هدایت کودکان در روند بازی ها، بیشتر از هر چیز دیگر، این معنا را دارد که درون مایه ی آنان باید در راستای تربیت سالم باشد و به ما در پرورش خصوصیت های انسانی یاری برساند. جدا از ایجاد روحیه ی خوب ورزشکارانه، هدف این است که کودکان در فرآیند بازی، به توافق دست یابند؛ بدون درگیری و نزاع، بازی کنند و هریک نقشی را که پذیرفته اند، به انجام برسانند.

تماشای بازی کودکان به ما کمک می کند تا آگاهی خودمان را نسبت به شخصیت کودک،

افزون نماییم. کودکان در

زمان بازی، بدون هیچ

برده پویشی احساس ها، تمایل ها و

باورهای خود را بروز می دهند و جنبه های گوناگون

شخصیت خود را به تماشا می گذارند. آیا کودک، نقشی را

که در بازی به عهده گرفته است، به پایان می برد یا از این

شاخه به آن شاخه می پرد؟ آیا پشتکار دارد یا زود و امی دهد

و خود را کنار می کشد؟ آیا وقتی با مشکلی روبه رو می شود،

از مغز خود استفاده می کند؛ دست به عملی می زند یا نه؟

با اسباب بازی های خود، چه رفتاری دارد؟ آیا از آنان، خوب

نگهداری می کند؟ و ده ها پرسش دیگر. ضرورت دارد پدران،

مادران و مربیان مهدها به این امور توجه

کنند و به موقع به اصلاح هر حرکت، رفتار

و گرایش هایی که از هدف های تربیتی به دور

است، بپردازند.

استاد مصطفی علیزاده

مؤلف و مترجم

